

Investigating the Migration Situation in Rural Areas of Border Cities of Iran¹

Valiollah Rostamalizadeh² -Assistant Professor in Sociology, Institute of Studies and Comprehensive and Specialized Population Management, Tehran, Iran

Ghorban Hosseini³- Ph.D Candidate of demography in Tehran University, Researcher National Population Studies and Comprehensive Management Institute, Tehran, Iran

Received: 05, February, 2020 Accepted: 05, May, 2020

Abstract

One of the challenges of today's Iranian society is the indiscriminate emigration of low-density areas and local communities, which endangers the future stability of the entire territory. The purpose of this article is to investigate the situation of migration in rural border areas of border cities of Iran and the factors affecting this migration in 2006-2010. The research method is documentary and based on the secondary analysis of data from general population and housing censuses and other findings related to the subject under study. The findings show that in this period, about 9% of the country's population live in villages in the border areas of the country. The lowest immigration rate is for the rural areas of Dasht-e Azadegan, Shadegan and Sib-o-Soran, and the highest is for the rural areas of Abu Musa, Bushehr and Kangan. The lowest migration rate is for rural areas of Miankangi (Helmand) and Mehrestan (Zaboli) cities in Sistan and Baluchistan province, Miandorod in Mazandaran province, and the highest emigration rate is for rural areas of Bushehr, Abu Musa and Qasr Shirin counties. About 44% of the rural areas of the border cities had immigrants (net negative immigration); in contrast, 56% of these areas had migrants (net positive immigration). In rural areas of border cities, the highest average unemployment rate is for the provinces of Sistan and Baluchistan, Khuzestan, Kermanshah and Ilam, and the lowest average is for the provinces of East Azerbaijan, South Khorasan and North Khorasan. The reasons for high emigration in rural areas of border provinces include high unemployment in rural areas, unfavorable climate, limited access to basic living facilities such as education and health facilities, lack of border economic benefits for the people, and so on. The results of this study show that the border villages of the country, especially in the land / land borders are suffering from population loss. These conditions are especially evident in the rural areas of the southeast as well as the west and northwest of the country. One of the reasons for such a situation is related to regional inequalities and underdevelopment in these areas, because the border provinces of the country are among the provinces with less developed and medium development.

Keywords: Migration, Immigration, Net Migration, Unemployment Rate, Rural Border Areas.

This article is adapted from a research project entitled "Analysis of the situation of sustainable rural-urban development in the border cities of the country" which has been carried out with the support of the Institute for Comprehensive and Specialized Studies and Management of the country's population.

2Corresponding Author).

Email: vali.rostamalizadeh@psri.ac.ir

بررسی وضعیت مهاجرت در مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی ایران*

ولی‌الله رستمعلی‌زاده - استادیار جامعه‌شناسی، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور،

تهران، ایران

قربان حسینی - دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و پژوهشگر مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع

و تخصصی جمعیت کشور، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۶

چکیده

یکی از چالش‌های امروز جامعه ایران مهاجر فرستی بی‌رویه مناطق کم تراکم و اجتماعات محلی است که آینده پایداری کلیت سرزمینی را به مخاطره می‌اندازد. هدف این مقاله، بررسی وضعیت مهاجرت در مناطق مرزی روستایی شهرستان‌های مرزی ایران و عوامل اثرگذار در این مهاجرت در دوره ۹۰-۱۳۸۵ است. روش تحقیق اسنادی و بر پایه تحلیل ثانویه داده‌های حاصل از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و سایر یافته‌های مرتبط با موضوع مورد مطالعه است. یافته‌ها نشان می‌دهد در این دوره حدود ۹ درصد از جمعیت کشور در روستاهای مناطق مرزی کشور ساکن هستند. کمترین نرخ مهاجرپذیری برای مناطق روستایی شهرستان‌های دشت آزادگان، شادگان و سیب و سوران، و بیشترین برای مناطق روستایی شهرستان‌های ابوموسی، بوشهر و کنگان است. کمترین نرخ مهاجر فرستی برای مناطق روستایی شهرستان‌های میان‌کنگی (هیرمند) و مهرستان (زابلی) در استان سیستان و بلوچستان، میاندورود در استان مازندران، و بیشترین نرخ مهاجر فرستی برای مناطق روستایی شهرستان‌های بوشهر، ابوموسی، قصر شیرین است. حدود ۴۴ درصد از مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی مهاجر فرست (خالص مهاجرتی منفی)، در مقابل، ۵۶ درصد از این مناطق مهاجرپذیر (خالص مهاجرتی مثبت) داشته‌اند. در مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی بالاترین میانگین نرخ بیکاری برای استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان، کرمانشاه و ایلام، و پایین‌ترین میانگین برای استان‌های آذربایجان شرقی، خراسان جنوبی و خراسان شمالی می‌باشد. از دلایل مهاجر فرستی بالا در مناطق روستایی استان‌های مرزی می‌توان به بیکاری بالا در مناطق روستایی، آب‌وهوای نامناسب، دسترسی محدود به امکانات اولیه زندگی همچون امکانات آموزشی و بهداشتی، نداشتن مزیت اقتصادی مرز برای مردم و ... اشاره داشت. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد روستاهای مرزی کشور به خصوص در مرزهای زمینی/خاکی دچار ازدست دادن جمعیت هستند این شرایط به ویژه در مناطق روستایی جنوب شرقی و همچنین غرب و شمال غرب کشور بیشتر نمود دارد. یکی از دلایل ایجاد چنین وضعیتی مربوط به نابرابری‌های منطقه‌ای و عدم توسعه یافتگی در این مناطق است، زیرا استان‌های مرزی کشور در ردیف استان‌های با سطح کمتر توسعه یافته و توسعه یافتگی متوسط قرار دارند.

واژگان کلیدی: مهاجر فرستی، مهاجرپذیری، خالص مهاجرت، نرخ بیکاری، مناطق مرزی روستایی.

*. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان "تحلیل وضعیت توسعه پایدار روستایی - شهری شهرستان‌های مرزی کشور" است که با حمایت مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور انجام گرفته است.

یکی از چالش‌های امروز جامعه ایران مهاجر فرستی بی‌رویه مناطق کم تراکم و اجتماعات محلی است که آینده پایداری کلیت سرزمینی را به مخاطره می‌اندازد. مهاجرت یا نوعی انتخاب است که دارای علل و انگیزه‌هایی است و یا یک اضطراب است که بر اثر عواملی که خارج از اراده و خواست فرد است، بر وی تحمیل می‌شود (زنجانی، ۱۳۸۰: ۵). افراد دلایل بسیاری برای ترک زادگاه خود و مهاجرت به جاهای دیگر دارند، اما مطالعات نشان می‌دهد که دلایل اجتماعی و اقتصادی مهم‌ترین دلایل مهاجرت افراد می‌باشند (Hamid, 2010: 1-2). تلاش به منظور ایجاد رفاه، ارتقاء معیشت و دستیابی به زندگی بهتر از جمله اهداف اجتماعی بشر به منظور ماندگاری در کلیه عرصه‌های سکونتگاهی است. از این رو افراد در راستای فرار از مشکلات و تنگناهای موجود در محل سکونت خویش و همچنین برخورداری از خوشبختی و آنچه حق طبیعی انسان برای ادامه زندگی قلمداد می‌گردد؛ به فضای سکونتگاهی دیگر مهاجرت می‌کنند. در راستای این روند جمعیتی؛ روستائیان مناطق به منظور استفاده از امکانات معیشتی-رفاهی و نیز در جهت یافتن شغل و ایجاد درآمد مکفی، دست به مهاجرت می‌زنند (بروکی میلان و عینالی، ۱۳۹۵: ۶۳). یکی از نواحی حساس و مهم در کشورها نواحی مرزی می‌باشد که بحث تحولات جمعیتی در آن‌ها به دلیل نقش پررنگ جمعیت پایدار جهت رشد و شکوفایی منطقه و بالا رفتن امنیت در این نواحی از ضرورت خاصی برخوردار است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۵). در ایران طی سه دهه اخیر سالانه به طور متوسط ۱ میلیون نفر در میان مرزهای کشور جابجا شده‌اند که ۷۱ درصد این جمعیت در مناطق شهری زندگی می‌کنند و بنابراین مهاجرت امروزه به امری آسان و گاه گریزناپذیر تبدیل شده است (رستمعلی‌زاده و حسینی، ۱۳۹۵: ۱۹۳). جمعیت‌گریزی روستایی در ایران می‌تواند پایداری روستایی را تهدید نموده و به نوعی چرخه‌ای با پایداری روستایی شکل دهد که متعاقب آن روستاگریزی مضاعف و شکل‌گیری روستاهای خالی از سکنه یا افزایش روستاهای سالمندی باشد. چراکه با خروج مهاجران از روستا، نیروی کار روستا و در نتیجه تولید روستایی کاهش می‌یابد و همین امر باعث ایجاد الگوی نابرابر نیروی کار می‌گردد. بدین ترتیب روستا از تحول اساسی

باز می ماند، زیرا محیط از نیروهای تحول زا (کارگر روستایی) تخلیه می شود. بنابراین متروک شدن روستاها با پدیده مهاجرت شکل می گیرد و عمده ترین پیامدهای مهاجرت به خارج نیز عبارت اند از: کاهش جمعیت، تغییر ترکیب جمعیت، تسریع جمعیت شهری و کاهش رشد جمعیت روستایی " (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۸۸). این موضوع نشانگر این واقعیت است که عدم توسعه روستایی بر سیل مهاجرت و تخلیه روستاها افزوده و ناپایداری روستایی را تقویت می کند. بنابراین در ایران به دلیل بالا بودن تعداد روستاها و نقش انکارناپذیر سکونتگاه های روستایی در حفظ امنیت مرزهای کشور، و مهم تر از این، اهمیت بسیار بالای آن ها در حیات بخشی به گستره وسیعی از سرزمین، هنگام مطالعه و برنامه ریزی نمی توان روستاها و مسائل روستایی ایران را نادیده گرفت و یا دور از اولویت قرار داد. آنچه در این زمینه بیش از تعداد جمعیت اهمیت دارد، نقش سکونتگاه هایی روستایی در توسعه و پایداری است.

روستاهای مناطق مرزی به دلایلی چون موقعیت استراتژیک و مهمی که در کشور دارند از اهمیت دوچندانی برای توسعه برخوردار هستند. عنصر فضایی «روستا» در تلاقی با عامل بعد و مسافت، مفهوم «روستای مرزی» را ایجاد می کند که بخشی از عرصه سرزمین را تشکیل می دهد و به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص و دوری از مرکز اصلی کشور، دارای شرایط متمایزی از سایر نقاط روستایی می باشد. روستاهای مرزی مکان و فضای سکونت دائمی و نیز فعالیت بخشی از مردم یک سرزمین واقع در عمق نوار مرزی هر کشور هستند. این سکونتگاه ها به صورت شبکه های تعاملی با کارکردهای محیطی، اجتماعی و اقتصادی، نوعی سازمان یابی فضایی با تعاملات درونی و بیرونی را شکل بخشیده و می توانند در بقا، پیوستگی، هم گرایی، پایداری و توسعه سرزمین و در نهایت پیکربندی ملی یک کشور نقش اساسی را ایفا نمایند. " این روستاها غالباً با کمبود زیرساخت های توسعه ای، ضعف بنیان های اقتصادی، تراکم اندک جمعیت و پراکندگی آن در نواحی نزدیک به مرز، تنوع جغرافیایی (خشکی، آبی، کوهستانی صعب العبور)، تنوع خطرات و تهدیدات امنیتی از سوی همسایگان، عدم تعادل و نابرابری های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی بین این مناطق و مناطق مرکزی، پایین بودن شاخص های توسعه در بیشتر این مناطق در مقایسه با میانگین آن در

سطح ملی و فقدان یک چارچوب عملی برای شناخت و تحلیل مواجه هستند^{۱۱} (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۷۱-۷۰) و از گذشته‌های دور به دلیل ناتوانی‌های بالقوه، جزء مناطق منزوی و محروم به حساب می‌روند (موسوی، ۱۳۹۲: ۵۶). بررسی‌های انجام شده در مناطق مرزی مختلف کشور، اشاره به عدم تعادل‌های اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی میان مناطق مرزی و مرکزی دارد. با این حال نابرابری‌های منطقه‌ای میان این مناطق در اکثر کشورهای جهان سوم امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، که در اثر ساختارهای متمرکز نظام برنامه‌ریزی در فرآیند تاریخی به وجود آمده است (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۴). به‌طور کلی مناطق مرزی به دلیل قرار گرفتن در انزوای جغرافیایی و دور بودن از مناطق صنعتی-اقتصادی، جزء مناطق محروم و توسعه‌نیافته محسوب می‌شوند. پیامدهای انزوا، فقر و توسعه‌نیافتگی در روستاهای مرزی، به مهاجرت‌های فردی و گروهی می‌انجامد و بیم خالی شدن روستاهای مرزی، شیوع پدیده‌های چون زنانه شدن و سالخوردگی جمعیت و عدم ماندگاری مردان جوان در چنین روستاهایی را به همراه دارد و به‌نوبه خود می‌تواند پیامدهای آسیب‌زایی را در پی داشته باشد. ایران با دارا بودن ۱۶ استان مرزی، دارای مرز طولانی ۷۸۱۶ کیلومتری، است. طول مرزهای زمینی ایران برابر با ۵۴۴۰ کیلومتر که با ۷ کشور مرز مشترک دارد و در کل کشور، ۸۹۷۱ روستای مرزی وجود دارد؛ روستاهای استان‌های کردستان، اردبیل، کرمانشاه، خراسان جنوبی، آذربایجان شرقی و گیلان بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، با بیشترین میزان کاهش جمعیت مواجه بوده‌اند (ایلکا و دین‌پناه، ۱۳۹۰: ۵۷-۵۶). توسعه و ماندگاری جمعیت در مناطق روستایی مرزی کشور و توجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی آن‌ها نه تنها یک ضرورت بلکه یک چشم‌انداز انسان دوستانه است. چراکه هم این بخش و سبب از جمعیت کشور در مناطقی زندگی می‌کنند که در پیوند نزدیک با طبیعت و محیط‌زیست قرار داشته و پایداری بخشی از سرمایه‌های کشور، منوط به تلاش‌های این اجتماعات است و هم اینکه این بخش عظیم از جمعیت کشور، باید از چشم‌انداز دستیابی به کیفیت زندگی بهتر برای همه انسان‌ها، نگریده شده شوند. هدف این مقاله، بررسی وضعیت مهاجرت‌های مناطق مرزی روستایی در ایران طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ است. این مقاله همچنین در صدد است تا به این

سؤالات پاسخ دهد: الف) الگوها و جریان‌های مهاجرتی مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی ایران به چه صورتی است؟ ب) میزان خالص مهاجرت در مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی ایران به چه صورتی است؟ ج) نرخ بیکاری و نرخ مشارکت اقتصادی در مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی ایران به چه صورتی است؟ د) وضعیت اشتغال مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی در بخش صنعت به چه صورتی است؟

پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه تحقیق نیز، مطالعات متعددی در ارتباط با موضوع مهاجرت در ایران انجام شده است اما مناطق مرزی ایران با وجود اهمیت استراتژیکی که از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارا می‌باشند، در مطالعات مهاجرت در ایران مورد غفلت واقع شده‌اند و مطالعات معدودی انجام شده است که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود.

مشفق و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به مقایسه ویژگی‌های جمعیتی مناطق مرزی و غیر مرزی و تبعات امنیتی آن پرداختند. نتایج نشان داد به‌طور کلی جمعیت در محیط ملی ایران، پیرامون گریز (مرز گریز) و تمرکز گراست، و این مسئله‌ای است که از نظر جمعیت‌شناسی سیاسی زمینه‌ساز مسائل و چالش‌های امنیتی در بلندمدت می‌شود. این مقاله برای ارتقاء امنیت ملی و مرزی پیشنهاد می‌کند سیاست‌های باز توزیع جمعیت به‌منظور بهینه‌سازی تراکم و ترکیب جمعیت در مناطق مرزی صورت گیرد، این سیاست‌ها مستلزم سیاست‌های پیشران از جمله سیاست تمرکززدایی صنعتی، آموزشی و شغلی است. حسینی (۱۳۹۶)، در مطالعه‌ای به مطالعه تطبیقی مؤلفه‌های جمعیت‌شناسی استان‌های مرزی شرقی و غربی کشور طی دو دهه اخیر پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد؛ نخست) تفاوت‌های قابل ملاحظه و گهگاه تشابه‌های در مقادیر شاخص‌های جمعیتی دو منطقه و روند تغییرات آن‌ها وجود دارد؛ دوم) شاخص میزان بیکاری در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۷۵ در مناطق شرقی، افزایش ۸۷ درصدی و در مناطق غربی افزایش ۴۵ درصدی داشته؛ این شاخص در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۰ کاهش ۱۸ درصدی در استان‌های شرقی و ۲۰ درصدی در استان‌های غربی داشته است؛ سوم) عمده‌ترین مقصد مهاجرتی استان‌های غربی به استان تهران و سپس استان‌های هم‌جوار اما این مقصد در استان‌های شرقی برعکس می‌باشد.

حسینی و خانی (۱۳۹۸) در مطالعه روند و الگوهای مهاجرت در استان‌های مرزی کشور نشان دادند که جریان مهاجرت در استان‌های مرزی روند کاهشی داشته و الگوی غالب، افزایش مهاجرت‌های برون‌استانی است. روندهای مهاجرت نشان می‌دهد استان‌های خوزستان، کرمانشاه و سیستان و بلوچستان از قطب‌های اصلی مهاجر فرستی، و بوشهر، گیلان، مازندران و هرمزگان از قطب‌های اصلی مهاجرپذیری می‌باشند. سرانجام، طی دو دهه اخیر استان‌های اردبیل، ایلام، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کردستان و کرمانشاه همواره مهاجر فرست، و بوشهر و مازندران همواره مهاجرپذیر بوده‌اند. به‌طور کلی، با توجه به حجم انبوه جمعیت در سن کار، سطح پایین توسعه، میزان‌های بالای بیکاری و کمبود فرصت‌های شغلی، مهاجرت به‌ویژه از نوع برون‌استانی افزایش یافته است. رستمعلی زاده و نویخت (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای با عنوان توسعه پایدار و مهاجرت در شهرستان‌های مرزی ایران نشان دادند که وضعیت شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و به‌خصوص محیطی در شهرستان‌های مرزی ایران در وضعیت مناسبی قرار ندارد همچنین، نکته مهم‌تر این است که، در اغلب شاخص‌ها- به‌جز شاخص اجتماعی- نیمه جنوبی و به‌خصوص جنوب شرق و جنوب و جنوب غربی کشور در وضعیت مطلوبی قرار ندارند. همچنین نتایج این تحقیق نشان داده است که رابطه معنی‌داری میان پایداری اقتصادی و مهاجرت وجود دارد و به‌طور کلی مناطق مرزی جنوب شرقی، غرب و جنوب غربی ایران هم از نظر شاخص‌های توسعه پایدار در سطح پایینی بوده و هم دارای مهاجرت منفی نیز هستند.

مبانی نظری

فرایند تصمیم به مهاجرت از سه عامل مهم تأثیر می‌پذیرد. عامل‌های فردی، عامل‌های خانوادگی و عامل‌های اجتماع محلی (روستایی) (Garasky, 2002: 411-413). گاراسکی (۲۰۰۲) معتقد است که فرایند تصمیم‌گیری به مهاجرت از چشم‌انداز نظری پیچیده است. نظریه اقتصاد نئو کلاسیک، نقل مکان مردم را به‌عنوان نتیجه‌ای از وزن گزینه‌های اقتصادی بین مکان‌ها می‌داند. افراد مکانی را انتخاب می‌کنند که شرایط بهزیستی شان را بهینه و حداکثر نماید. مدل‌های «جاذبه و دافعه» مهاجرت نشان می‌دهند که

افراد از مناطق در حال رکود اقتصادی دفع شده و جذب مناطق مرفه می‌شوند. مدل‌های سرمایه انسانی چنین مطرح می‌کنند که کسانی که دارای منابع اقتصادی و اجتماعی بهتری هستند به احتمال زیاد مهاجرت کرده و وضعیت خودشان را بهبود می‌دهند (Garasky, 2002:410). از دیدگاه کارکردگرایان، مهاجرت ناشی از عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی بین مناطق مختلف است و هرگونه تغییری در جامعه به منظور برقراری تعادل و هماهنگی روی می‌دهد. مهاجرت نیز در اصل نوعی تغییر در جوامع به شمار می‌رود. در این شرایط بعضی از عوامل روی افراد مبدأ فشار وارد می‌آورند و موجب خارج شدن آن‌ها و ورود به مناطقی می‌گردد که از وضعیت مطلوب‌تری برخوردارند. صاحب‌نظران وابستگی نیز بر این عقیده‌اند که علت‌های مهاجرت را نمی‌توان از اثرات آن جدا نمود زیرا که مهاجرت از یک طرف معلول توسعه ناپایدار و از طرفی گسترش و تعمیق توسعه ناپایدار است (لهسای زاده، ۱۳۶۸: ۱۴). نظریه‌های نئوکلاسیک سطح کلان مهاجرت، مهاجرت را به عنوان بخشی از توسعه اقتصادی تبیین می‌کنند و مهاجرت داخلی را نتیجه تفاوت‌های جغرافیایی در عرضه و تقاضای نیروی کار می‌دانند. تفاوت‌ها در دستمزد، کارگرانی که حقوق پایینی دارند را به سوی مناطقی با حقوق بالا که دارای کمبود نیروی کار است، می‌راند (DeHaas, 2007:11-12). طرفداران نظریه اقتصاد جدید مهاجرت، نظریه اقتصاد نئوکلاسیک را بر این اساس که تصمیم‌گیری مهاجرت به صورت فردی انجام می‌گیرد، مورد انتقاد قرار داده‌اند. آن‌ها عقیده دارند تصمیمات مهاجرت منحصرأ توسط کنشگران فردی گرفته نمی‌شود، بلکه به وسیله واحدهای بزرگ‌تر - خانواده یا خانوار - هم صورت می‌گیرد. این تصمیم‌ها برای به حداکثر رساندن درآمد و به حداقل رساندن مخاطرات و برای غلبه بر محدودیت‌های بازار کار محلی اتخاذ می‌شود. مخاطرات ممکن است مرتبط با بیمه محصولات، بیکاری، فرصت‌های بازار کار، بازارهای سرمایه و غیره باشد. بنابراین، در این دیدگاه به مهاجرت به عنوان استراتژی اقتصادی خانوار توجه می‌شود. استراتژی که توسط خانوارها و خانواده‌ها جهت پراکندگی خطرات درآمدی و برای غلبه بر محدودیت‌های بازار کار محلی گرفته می‌شود. در این صورت تنها اقلیتی از اعضای جامعه مهاجرت خواهند کرد زیرا به نفع خانوارها نیست که تمام اعضای آن مهاجرت

نمایند، بلکه ترجیحاً یک یا چند عضو خانوار (بیشتر اعضای جوان) مهاجرت خواهند کرد (DeHaas, 2007: 51-52).

مدل‌های «جاذبه و دافعه» مهاجرت نیز نشان می‌دهند که افراد از مناطق در حال رکود اقتصادی دفع شده و جذب مناطق مرفه می‌شوند. اورت اس. لی بر نظریه جذب و دفع تأکید نمود و آن را منشاء بروز مهاجرت دانست. تأکید لی بر موانع مداخله‌گر است آن‌چنان که اظهار می‌دارد: بین دو مکان مجموعه‌ای از موانع مداخله‌گر وجود دارد که در مواردی مقدار آن کم و در مواردی نیز این میزان زیاد است (حاج حسینی، ۱۳۸۵). وی امکانات بیشتر آموزشی، اشتغال و درآمد را در مبدأ از جمله عوامل جاذبه می‌داند و در مقابل، هزینه‌های بالای زندگی در محل جدید، دوری از خانه و کاشانه و آلودگی محیط‌زیست را از عوامل دافعه محسوب می‌کند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱: ۱۶۵). نظریه مکان مرکزی نیز مهاجرت را نتیجه تکامل فزاینده و پیوسته شبکه‌های درهم‌تنیده اقتصادی، تجاری و خدماتی مناطق مرکزی می‌داند، این مناطق از طریق جذب پیوسته منابع مادی و انسانی زمینه ایجاد فرصت‌های شغلی، درآمدزایی بیشتر را هم برای جمعیت بومی و هم برای جمعیت سایر نقاط فراهم می‌کنند، و از این طریق زمینه جذب جمعیت از سایر مناطق را فراهم می‌آورند. نظریه مرکز - پیرامون فریدمن نیز مهاجرت ناشی از انتقال عوامل اصلی تولید از مناطق پیرامونی به سوی مرکز می‌داند. که نتیجه آن فرار سرمایه‌های مادی و انسانی از پیرامون به مرکز است (پاپلی یزدی و رجبی سنجرودی، ۱۳۹۶: ۲۰۴). به‌طور کلی مرور نظریات نشان می‌دهد که مهاجرت به ارزیابی افراد از شرایط مبدأ و مقصد و همچنین ویژگی‌های مشخص افراد بستگی دارد. افراد برای مهاجرت، وزن گزینه‌های اقتصادی بین مکان‌ها را در نظر می‌گیرند و مکانی را انتخاب می‌کنند که شرایط زندگی و زیستی‌شان را بهینه و حداکثر نماید. به‌طوری‌که افراد از مناطق در حال رکود اقتصادی و شرایط نامناسب گذران زندگی و معیشت دفع شده و جذب مناطق مرفه می‌شوند و همان‌طور که گفته شد مناطق مرزی در کشورهای در حال توسعه، از شرایط اقتصادی مساعدی برخوردار نیستند.

1 Lee, E. S.

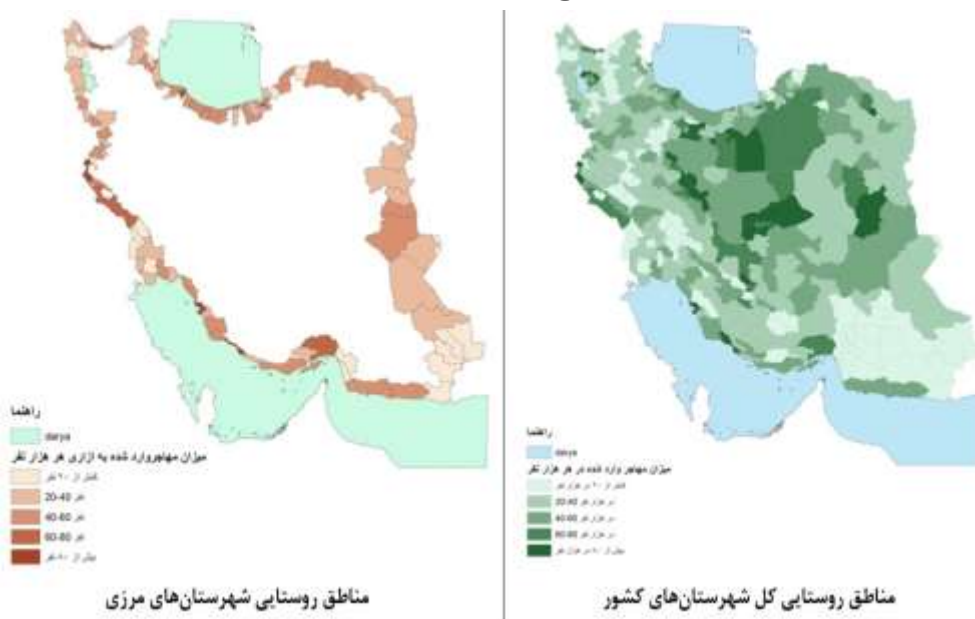
روش پژوهش

روش تحقیق مطالعه، اسنادی و بر پایه تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، آمارگیری‌های نمونه‌ای و سایر یافته‌های مرتبط با موضوع مورد مطالعه است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت ارقام نسبی و شاخص سازی که قابلیت مقایسه داشته و در دو سطح برای مناطق روستایی کل کشور و شهرستان‌های مرزی انجام گرفته است. قلمرو و محدوده مکانی پژوهش، شامل تمام مناطق روستایی ۱۱۸ شهرستان مرزی کشور بوده است.

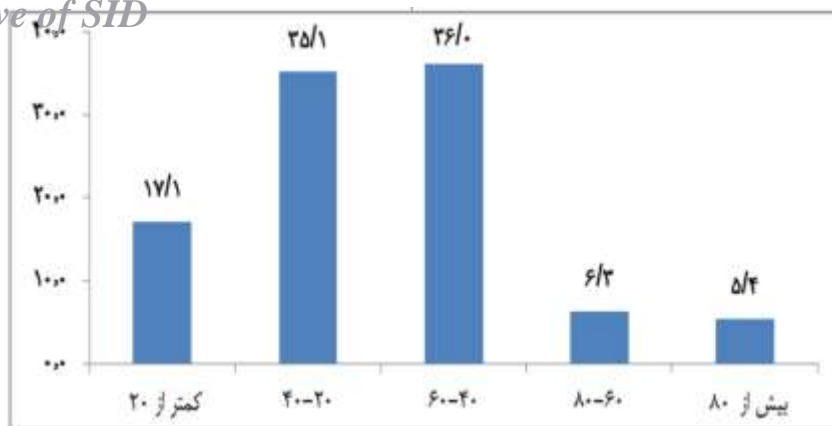
بحث و یافته‌ها

الگوها و جریان‌های مهاجرتی مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی ایران

در این بخش میزان مهاجرپذیری و مهاجر فرستی و میزان مهاجرت خالص مناطق مرزی شهرستان مرزی کشور آمده است. بررسی میزان مهاجرپذیری مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی بیانگر آن است اکثر این مناطق نرخ مهاجرپذیری پایینی دارند (شکل شماره ۱).



شکل شماره ۱. میزان مهاجرپذیری (مهاجران واردشده در هر هزار نفر) مناطق روستایی ایران طی دوره ۹۰-۱۳۸۵



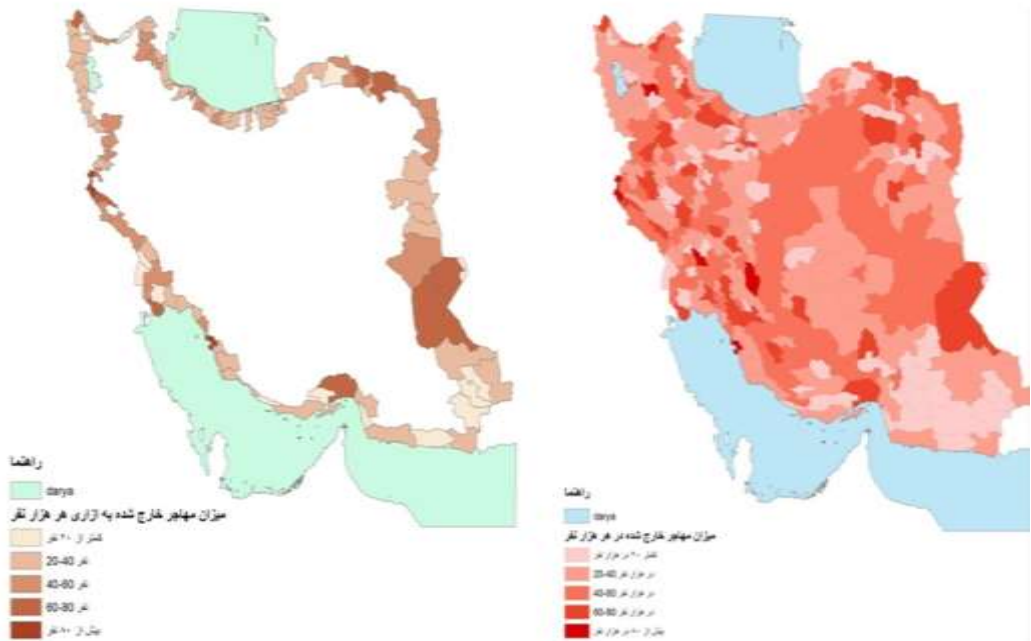
شکل شماره ۲. توزیع مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی برحسب میزان مهاجرپذیری (در هزار) طی دوره ۹۰-۱۳۸۵

کمترین نرخ مهاجرپذیری برای مناطق روستایی شهرستان دشت آزادگان و بیشترین نرخ مهاجرپذیری برای مناطق روستایی شهرستان ابوموسی است. براساس جدول ۱ و شکل شماره ۲، مناطق روستایی شهرستان‌های دشت آزادگان، شادگان، سیب سوران، سرباز، مهرستان (زابلی)، میانکنگی (هیرمند)، شوش، خداآفرین و زهک کمترین نرخ مهاجرپذیری و مناطق روستایی شهرستان‌های ابوموسی، بوشهر، کنگان، قصرشیرین، لاهیجان، بندرانزلی و لنگرود بالاترین نرخ مهاجرپذیری را در دوره ۹۰-۱۳۸۵ در میان شهرستان‌های مرزی مورد بررسی داشته‌اند.

جدول شماره ۱. طبقه‌بندی و اسامی شهرستان‌های مرزی بر اساس میزان مهاجرپذیری (در هزار) طی دوره ۹۰-۱۳۸۵

شهرستان								تعداد	طبقه‌بندی
								د	
خداآفرین	شوش	میانکنگی (هیرمند)	مهرستان (زابلی)	سرباز	سیب سوران	شادگان	دشت آزادگان		
۱۱	۹	۹	۷	۵	۴	۳	۲		
چابهار	سیریک	آق‌قلا	خوی	سراوان	سرپل ذهاب	میناب	زهک	۱۹	کمتر از ۲۰
۱۷	۱۷	۱۶	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲		
					هویزه	نمین	مراوه‌تپه		
					۱۹	۱۹	۱۹		

سلماس	ماکو	بيله سوار	چالدران	مشكين شهر	خمير	چالانفر	آبادان
۲۰	۲۰	۲۱	۲۱	۲۱	۲۲	ب	۲۲
خواف	جوانرود	سردشت	نکا	تربت جا م	پارس آباد	گميشان	طوالش
۲۳	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۶	۲۷	۲۷
خاش	پلدشت	هنديجان	مياندورود	زابل	اشنويه	درگز	بهشهر
۲۸	۲۸	۲۹	۲۹	۳۱	۳۱	۳۲	۳۲
تايباد	زاهدان	اهواز	سقز	گرمي	جويبار	درميان	كلات
۳۲	۳۴	۳۴	۳۴	۳۵	۳۵	۳۶	۳۶
اروميه	سرخس	خرمشهر	تنگستان	ماسال	سر و آباد	فريدون كنار	
۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	
پارسيان	مانه وسملقا ن	ساري	شيروان	قوچان	قشم	رضوانشه ر	نور
۴۰	۴۰	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۲	۴۲
بانہ	گلگاه	مريوان	اردبيل	دير	گناوه	سريشه	دشتي
۴۲	۴۲	۴۳	۴۳	۴۳	۴۴	۴۵	۴۵
ثلاث باباجاني	رشت	ديلم	بجنورد	پيرانشهر	آستارا	بندرلنگه	ترکمن
۴۶	۴۶	۴۷	۴۷	۴۷	۴۸	۴۸	۴۸
نهبندان	نوشهر	جاسک	محمودآبا د	گنبد کاو وس	فاروج	بندر ماهشهر	چالوس
۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۵۱	۵۱	۵۲	۵۴
عباس آباد	رودسر	ايلام	تنکابن	آستانه ا شريفه	رامسر	کنارک	پاوه
۵۴	۵۵	۵۶	۵۶	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹
جلفا	بابلسر	مهران	بندرعباس	دهلران	لنگرود	بندرانزل ي	
۶۱	۶۵	۶۷	۶۸	۷۰	۷۰	۷۴	
لاهيجان	بندرگز	قصرشيرين	کنگان	بوشهر	ابوموسي		
۸۶	۸۹	۹۲	۱۱۳	۱۱۶	۵۵۸		



مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی

مناطق روستایی کل شهرستان‌های کشور

شکل شماره ۳. میزان مهاجر فرستی (مهاجران خارج شده در هر هزار نفر) مناطق روستایی ایران طی دوره ۹۰-۱۳۸۵

کمترین نرخ مهاجر فرستی در دوره ۹۰-۱۳۸۵ مربوط به مناطق روستایی شهرستان میان‌کنگی (هیرمند) در استان سیستان و بلوچستان و بیشترین نرخ مهاجر فرستی مربوط به مناطق روستایی شهرستان بوشهر است. بر اساس جدول ۲ و شکل ۳، در دوره ۹۰-۱۳۸۵، مناطق روستایی شهرستان‌های میان‌کنگی (هیرمند)، مهرستان (زابل)، میان‌وورد، زهک، سب سواران، سرباز، کنارک و خداآفرین کمترین نرخ مهاجر فرستی و مناطق روستایی شهرستان‌های بوشهر، ابوموسی، قصرشیرین، قوچان، ماکو و ایلام بالاترین نرخ مهاجر فرستی، در میان شهرستان‌های مرزی داشته‌اند.

جدول شماره ۲. طبقه‌بندی و اسامی شهرستان‌های مرزی بر اساس میزان مهاجر فرستنی (در هزار)

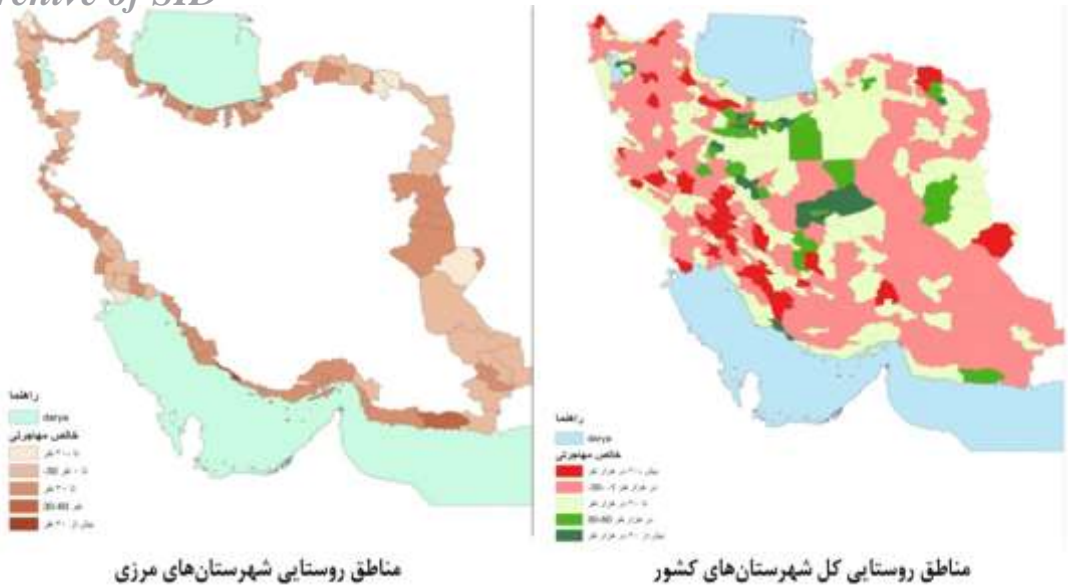
طی دوره ۹۰-۱۳۸۵

طبقه‌بندی		تعداد		شهرستان															
کمتر از ۲۰	۱۸	میانکنگی (هیرمند)	۲	مهرستان (زابلی)	۳	میاندوورد	۳	زهک	۶	سیب و سوران	۶	سریاز	۷	کنارک	۸	خداآفرین	۸	سیریک	۱۰
		دشت آزادگان	۱۳	خمیر	۱۴	مانه و سملقان	۱۵	هویزه	۱۵	فریدونکنار	۱۵	گمیشان	۱۷	شادگان	۱۸	عباس‌آباد	۱۹	پارسیان	۱۹
		جویبار	۲۰	آق‌قلا	۲۱	شوش	۲۱	مراوه‌تپه	۲۲	نمین	۲۲	نلات باباجانی	۲۳	میناب	۲۳	طوالش	۲۳		
۲۰-۴۰	۵۰	جاسک	۲۴	بانه	۲۴	سراوان	۲۴	سریشه	۲۵	ماسال	۲۵	ارومیه	۲۶	درمیان	۲۶	محمودآباد	۲۶	تنگستان	۲۶
		اشنویه	۲۶	قشم	۲۶	خواف	۲۸	خوی	۲۸	نکا	۲۹	جوانرود	۲۹	گلگاه	۲۹	سلماس	۳۱	رضوانشهر	۳۱
		نور	۳۱	پلدشت	۳۱	بیله‌سوار	۳۱	دیلیم	۳۲	کنگان	۳۲	پارس‌آباد	۳۴	خاش	۳۴	چابهار	۳۴	دیر	۳۴
۴۰-۶۰	۳۰	رشت	۳۵	بهبهر	۳۵	نوشهر	۳۶	گنبدکاووس	۳۷	بندرلنگه	۳۷	دشتی	۳۷	ساری	۳۷	فاروج	۳۸	سردشت	۳۸
		بندر ماهشهر	۳۸	تنگابن	۳۸	جویبار	۳۸	پیرانشهر	۳۹	آستارا	۳۹	هندیجان	۳۹						
		چالدران	۴۰	جلفا	۴۰	گناوه	۴۲	ترت‌جام	۴۲	دهران	۴۲	تایباد	۴۲	نهبندان	۴۲	ترکمن	۴۲		
۶۰-۸۰	۱۰	پاوه	۴۳	رودسر	۴۴	بابلسر	۴۴	مشکین‌شهر	۴۵	گیلانغرب	۴۶	سقز	۴۶	اهواز	۴۶	لنگرود	۴۷		
		مریوان	۴۷	بندرانزلی	۴۸	گرمی	۴۸	خرمشهر	۴۸	بندرگز	۴۸	سربل‌ذهاب	۴۹	سروآباد	۵۰	اردبیل	۵۰		
		بجنورد	۵۰	رامسر	۵۱	لاهیجان	۵۳	کلات	۵۴	سرخس	۵۵	چالوس	۵۷						
بیش از ۸۰	۳	مهران	۶۰	زاهدان	۶۰	بندرعباس	۶۲	شیروان	۶۲	درگز	۶۲	زابل	۶۴	آبادان	۶۷	ایلام	۷۵		
		ماکو	۷۵	قوچان	۷۷														
		قصرشیرین	۸۱	ابوموسی	۹۰	یوشهر	۹۳												

جدول ۳ میزان خالص مهاجرت در مناطق روستایی کشور طی دوره ۹۰-۱۳۸۵ را نشان می دهد. بررسی تفاضل میزان های مهاجری پذیری و مهاجر فرستی که "نرخ خالص مهاجرت" نامیده می شود، بیانگر آن است که حدود نیمی از مناطق روستایی شهرستان های مرزی نرخ خالص مهاجرتی منفی داشته اند. بیشترین نرخ منفی مهاجرت خالص به مناطق روستایی شهرستان های ماکو، آبادان، قوچان، سرپل ذهاب، زابل و درگز تعلق داشته است. در مقابل، بیشترین نرخ مثبت خالص مهاجرتی در دوره ۹۰-۱۳۸۵، در مناطق روستایی شهرستان های ابوموسی، کنگان، کنارک، بندرگز، عباس آباد و لاهیجان مشاهده شده است. شکل ۴، به طور کلی، حدود ۴۴ درصد از مناطق روستایی شهرستان های مرزی خالص مهاجرتی منفی دارند. به بیان دیگر، مهاجر فرست هستند. در مقابل، ۵۶ درصد از مناطق مورد بررسی خالص مهاجرتی مثبت دارند و مهاجر پذیر محسوب می شوند.

جدول شماره ۳. طبقه بندی و اسامی شهرستان های مرزی بر اساس میزان مهاجرت خالص (در هزار) طی دوره ۹۰-۱۳۸۵

شهرستان							تعداد	طبقه بندی
							د	
ماکو	آبادان	قوچان	سرپل ذهاب	زابل	درگز		۶	بیش از -۳۰
-۵۵	-۴۵	-۳۶	-۳۵	-۳۳	-۳۱			
مشکین شهر	گیلانغرب	زاهدان	شیروان	ایلام	چالدران	سرخس	کلات	
-۲۴	-۲۴	-۲۷	-۲۱	-۱۹	-۱۸	-۱۸	-۱۸	
شادگان	تربت جام	چابهار	سردشت	گرمی	اهواز	خوی	سقز	
-۱۵	-۱۶	-۱۷	-۱۳	-۱۳	-۱۲	-۱۲	-۱۲	
بيله سوار	دشت آزادگان	شوش	سلماس	تایباد	هندیجان	سروآباد	میناب	۳۰ تا ۰
-۱۱	-۱۱	-۱۲	-۱۱	-۱۰	-۱۰	-۱۰	-۱۰	۴۲
پارس آباد	سراوان	خرمشهر	اردبیل	خاش	خواف	مریوان	آق قلا	
-۸	-۹	-۱۰	-۷	-۶	-۵	-۵	-۴	
بهشهر	نکا	جوانرود	چالوس	بجنورد	پلدشت	نمین	مراوه تپه	
-۳	-۴	-۴	-۳	-۳	-۳	-۳	-۲	
سریاز	سیران							
-۲	-۲							
ساری	گناوه	خداآفرین	مهرستان (زابلی)	هویزه	طوالش	اشنویه	ترکمن	۳۰ تا ۰
۵۶								



شکل شماره ۴. میزان خالص مهاجرت مناطق روستایی ایران طی دوره ۹۰-۱۳۸۵

جدول ۴، طبقه بندی شهرستان های مرزی بر اساس مهاجرپذیری و مهاجر فرستی در دوره ۹۰-۱۳۸۵ را نشان می دهد. ۶۱ شهرستان خالص مهاجرتی مثبت (مهاجر پذیر) و ۴۸ شهرستان خالص مهاجرتی منفی (مهاجر فرست) داشته اند.

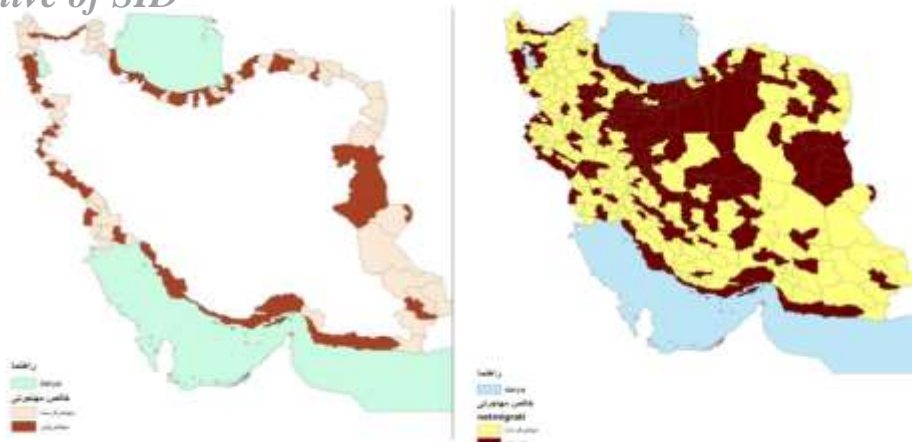
جدول شماره ۴. طبقه بندی و اسامی شهرستان های مرزی بر اساس مهاجرپذیری و مهاجر فرستی طی دوره ۹۰-۱۳۸۵

شهرستان		تعداد	طبقه بندی
خراسان جنوبی	بندرعباس	۶۱	خالص مهاجرتی مثبت (مهاجر پذیر)
خراسان شمالی	بندرعباس		
گلستان	بندرعباس		
مازندران	بندرعباس		
گیلان	بندرعباس		
هرمزگان	بندرعباس		
کهگیلویه بویراحمد	بندرعباس		
چهارمحال و بختیاری	بندرعباس		
خراسان جنوبی	بندرعباس	۶۱	خالص مهاجرتی مثبت (مهاجر پذیر)
خراسان شمالی	بندرعباس		
گلستان	بندرعباس		
مازندران	بندرعباس		
گیلان	بندرعباس		
هرمزگان	بندرعباس		
کهگیلویه بویراحمد	بندرعباس		
چهارمحال و بختیاری	بندرعباس		

لاهیجان	دهلران	میاندوهر ود	بندر انزلی	فریدونکنار	جاسک	مانه و سملقان	ثلاث باباجانی	خالص مهاجرتی منفی (مهاجر فرستی) ۴۸
بهبهر	چالوس	بجنورد	پلدشت	کنگان	کنارک	بندرگز	عباس آباد	
پارس آباد	اردبیل	خاش	خواف	مریوان	مراوه تپه	سیب سوران	سرباز	
بيله سوار	سلماس	تایباد	هندیجان	سروآباد	میناب	خرمشهر	سراوان	
شادگان	سردشت	گرمی	اهواز	خوی	سقز	شوش	دشت آزادگان	
مشکین شهر	شیروان	ایلام	چالدران	سرخس	کلات	چابهار	ترت جام	
ماکو	آبادان	قوچان	سرپل ذهاب	درگز	زابل	زاهدان	گیلانغرب	

بر اساس شماره ۵ الگوی مهاجر فرستی در روستاهای مناطق شمال شرقی و جنوب شرقی و تا حدودی غرب کشور؛ و الگوی مهاجرپذیری در مناطق روستایی شمال و جنوب و در شرق در مناطق روستایی استان خراسان رضوی بیشتر است. استان‌های شمالی و جنوبی به علت داشتن مرز آبی از اهمیتی که مرزهای شرقی و غربی کشور که مرز خاکی دارند برخوردار نیستند. مقایسه الگوی مهاجر فرستی بین مناطق روستایی استان‌های شرقی و غربی نشان می‌دهد که مهاجر فرستی در مناطق روستای استان‌های شرقی بیشتر است. مهاجر فرستی بالا مناطق روستایی استان‌های مرزی شرق کشور به دلیل بیکاری بالا در مناطق روستایی، آب و هوای نامناسب، دسترسی محدود به امکانات اولیه زندگی همچون امکانات آموزشی و بهداشتی، مرز هیچ‌گونه مزایایی از لحاظ اقتصادی برای مردم ندارد و ... اشاره داشت.

نتایج بیانگر آن است که مناطق مرزی روستایی کشور بخصوص در مرزهای خاکی دچار از دست دادن جمعیت هستند این شرایط به‌ویژه در مناطق روستایی جنوب شرقی و همچنین غرب و شمال غرب کشور بیشتر نمود دارد. بخشی از این شرایط به دلیل نابرابری‌های منطقه‌ای و عدم توسعه یافتگی این مناطق است.



مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی

مناطق روستایی کل شهرستان‌های کشور

شکل شماره ۵۵. تفکیک الگوی مهاجر فرستی و مهاجرپذیری مناطق روستایی ایران طی دوره ۹۰-۱۳۸۵

نرخ بیکاری و نرخ مشارکت در مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی

نرخ‌های بیکاری و مشارکت در مناطق روستایی استان مازندران به ترتیب $۸/۳$ و $۴۱/۴$ درصد است. شهرستان‌های مرزی رامسر ($۴۳/۳$)، عباس‌آباد ($۴۳/۱$) و جویبار ($۴۲/۸$) درصد بیشترین و شهرستان‌های چالوس ($۳۹/۴$) و تنکابن ($۴۰/۵$) درصد کمترین میزان نرخ مشارکت را در اختیار دارند. شهرستان‌های عباس‌آباد (۱۶) و بهشهر (۱۵) درصد بیشترین و جویبار ($۴/۳$) و بابلسر ($۵/۸$) درصد کمترین میزان نرخ بیکاری را دارند. نرخ‌های بیکاری و مشارکت در مناطق روستایی استان گیلان به ترتیب برابر با $۱۰/۲$ و $۴۲/۴$ درصد است. شهرستان‌های لاهیجان ($۴۶/۳$)، رودسر ($۴۴/۶$)، رشت ($۴۳/۲$)، لنگرود ($۴۳/۸$) و آستانه‌اشرفیه ($۴۲/۵$) درصد نرخ‌های مشارکت بالاتری از سطح متوسط استان دارند. ضمناً شهرستان‌های آستارا ($۳۸/۸$)، رضوان‌شهر ($۳۸/۹$) و ماسال ($۳۸/۸$) درصد نیز کمترین میزان نرخ مشارکت را دارا می‌باشند. مناطق روستایی شهرستان‌های بندرانزلی ($۱۵/۲$) و رضوان‌شهر ($۱۴/۸$) درصد بالاترین و شهرستان‌های رودسر ($۶/۶$) و لنگرود ($۵/۶$) درصد کمترین نرخ‌های بیکاری را تجربه کرده‌اند (جدول ۵). نرخ‌های بیکاری و مشارکت به ترتیب در استان اردبیل برابر با ۱۱ و ۴۲ درصد است. شاخص نرخ مشارکت اقتصادی در

شهرستان‌های مرزی اردبیل، گرمی و نمین بیشترین و در مشگین شهر کمترین میزان است. نرخ بیکاری در گرمی (۴/۸) و اردبیل (۸/۸ درصد) کمترین میزان را به خود اختصاص داده است. هم‌زمانی نرخ پایین مشارکت اقتصادی در مشگین شهر و نرخ بالای بیکاری نسبت به متوسط استان، نشان از عمیق‌تر بودن مشکلات بازار کار در این شهرستان می‌باشد. این دو نرخ به ترتیب در مناطق روستایی استان آذربایجان غربی برابر با ۹/۸ و ۳۹/۵ درصد است. نرخ مشارکت در شهرستان‌های ماکو، پلدشت، اشنویه و ارومیه نسبت به استان در سطح پایین‌تری قرار دارد و مابقی شهرستان‌ها شاخص بالاتری دارند. نرخ بیکاری در شهرستان‌های سردشت، پلدشت و سلماس بیشترین میزان و در پیرانشهر، خوی و اشنویه کمترین می‌باشد. در شهرستان اشنویه پایین بودن نرخ بیکاری می‌تواند به علت اثر دلسردی نیروی کار باشد چراکه نرخ مشارکت اقتصادی این شهرستان در مقایسه با دیگر شهرستان‌های استان پایین‌تر است. نرخ‌های بیکاری و مشارکت در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان به ترتیب ۳۱/۴ و ۲۸/۸ درصد است. نکته مهم اینکه این استان بیشترین نرخ بیکاری را در میان استان‌های موردبررسی دارد. این در حالی است که نرخ مشارکت در اغلب شهرستان‌های استان نیز از متوسط سطح ملی پایین‌تر است. شهرستان کنارک با ۱۶/۹ درصد، کمترین نرخ بیکاری و سراوان با ۵۳/۸ درصد بیشترین نرخ بیکاری را در میان شهرستان‌های مرزی استان دارند. نرخ‌های بیکاری و مشارکت به ترتیب در مناطق روستایی استان ایلام ۱۸/۹ و ۴۲ درصد است. نرخ مشارکت در شهرستان دهلران نسبت به استان بالاتر و مابقی شهرستان‌ها کمتری است. نرخ بیکاری در شهرستان دهلران کمترین و در مهران بیشترین میزان می‌باشد. نرخ‌های بیکاری و مشارکت در مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی استان خراسان رضوی به ترتیب ۶/۹ و ۴۱/۳ درصد است. شهرستان‌های درگز و قوچان به ترتیب با ۴۶/۷ و ۴۱/۵ درصد بیشترین نرخ‌های مشارکت در میان شهرستان‌های مرزی استان در اختیار دارند. شهرستان‌های تایباد و خواف و سرخس کمترین میزان نرخ مشارکت را دارا می‌باشند. نرخ بیکاری در سرخس با اختلاف بسیاری بیشترین (۱۷/۹ درصد) است که نشان از وخامت اوضاع بازار کار این شهرستان نسبت به دیگر شهرستان‌های استان می‌باشد.

در مناطق روستایی استان کرمانشاه نرخ‌های بیکاری و مشارکت به ترتیب برابر با ۱۸/۲ و ۴۰/۲ درصد است. شهرستان قصرشیرین بالاترین نرخ مشارکت (۶۸/۱ درصد) و پایین‌ترین نرخ بیکاری (۱/۷ درصد) را در اختیار دارد. بیشترین نرخ بیکاری شهرستان‌های مرزی استان کرمانشاه برای سرپل ذهاب (۳۳/۳) و پاوه (۳۲/۲) در صد است. نرخ‌های بیکاری و مشارکت به ترتیب در مناطق روستایی استان هرمزگان ۱۶/۹ و ۳۵/۵ درصد است. شهرستان ابوموسی (۹۶) و بندرعباس (۳۸/۸) درصد بیشترین نرخ‌های مشارکت را در میان شهرستان‌های مرزی استان دارند. شهرستان‌های بندرلنگه (۳۳/۳)، جاسک و میناب (۳۴/۸) درصد کمترین میزان نرخ مشارکت دارند. نرخ بیکاری در خمیر (۲۴) و جاسک (۲۳/۳) درصد بیشترین است. نرخ بیکاری در شهرستان ابوموسی برابر با صفر است. نرخ‌های بیکاری و مشارکت به ترتیب در استان بوشهر ۱۰/۵ و ۴۳/۵ درصد است. شاخص نرخ مشارکت اقتصادی در شهرستان کنگان با اختلاف (۶۸/۷ درصد) بیشترین میزان و در دیر (۳۷/۳ درصد) کمترین میزان است. نرخ بیکاری در شهرستان کنگان (۳/۷ درصد) کمترین میزان است که علت اساسی بالا بودن نرخ مشارکت اقتصادی و پایین بودن نرخ بیکاری در این شهرستان تمرکز فعالیت‌های مربوط به صنایع نفت و گاز پارس جنوبی می‌باشد. اگر نقش نفت و گاز را در اقتصاد محلی نادیده بگیریم، این وضعیت تصویری چندان مناسب را نشان نخواهد داد. نرخ بیکاری در شهرستان‌های تنگستان، دشتی، دیلم و گناوه بیش از متوسط استان است. در مناطق روستایی استان کردستان نرخ‌های بیکاری و مشارکت برابر با ۹/۶ و ۴۱/۵ درصد است. نرخ مشارکت در شهرستان سقز (۴۳/۲ درصد) بالاتر از سطح استان است. نرخ بیکاری در مریوان (۲۲/۹ درصد) بیشترین و در سقز (۶ درصد) کمترین میزان است. بررسی وضعیت نرخ‌های بیکاری و مشارکت در مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی به ترتیب ۴/۷ و ۴۴/۷ درصد است. نرخ مشارکت در شهرستان سریشه نسبت به استان در سطح بالاتری قرار دارد و مابقی شهرستان‌ها دارای شاخص کمتری هستند. نرخ بیکاری در سریشه کمترین و در نهبندان بیشترین میزان می‌باشد. بررسی وضعیت نرخ‌های بیکاری و مشارکت در مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی استان گلستان به ترتیب ۱۲/۱ و ۳۹/۱ درصد است. شهرستان‌های بندرگز (۴۳/۵) و بندر ترکمن (۴۲/۸)

در صد، بیشترین و شهرستان گمیشان (۳۸/۱ در صد) کمترین میزان نرخ مشارکت را در شهرستان‌های مرزی استان در اختیار دارند. نرخ بیکاری در آق‌قلا (۱۵/۵) و گمیشان (۱۴/۶) در صد، بیشترین و بندرگز (۵) و مراوه‌تپه (۵/۷) در صد، کمترین میزان را نسبت به دیگر شهرستان‌های مورد بررسی استان در اختیار دارند. بررسی وضعیت نرخ‌های بیکاری و مشارکت به ترتیب در مناطق روستایی استان خراسان شمالی برابر با ۷/۴ و ۴۱/۸ درصد است. نرخ مشارکت و نرخ بیکاری در شهرستان مانه و سملقان و فالوج نسبت به استان در سطح بالاتری قرار دارد و مابقی شهرستان‌ها دارای شاخص کمتری هستند. بررسی وضعیت نرخ‌های بیکاری و مشارکت در مناطق روستایی استان آذربایجان شرقی به ترتیب ۵/۴ و ۴۴ درصد است. نرخ بیکاری در شهرستان‌های جلفا و خداآفرین به ترتیب برابر با ۵/۴ و ۴/۳ درصد و نرخ مشارکت به ترتیب برابر با ۴۰/۱ و ۴۰/۵ درصد است. نرخ بیکاری در شهرستان خداآفرین از متوسط کل استان کمتر بوده و ضمناً نرخ مشارکت در این دو شهرستان از کل استان کمتر می‌باشد. از سویی دیگر نرخ بیکاری در این شهرستان نسبت به متوسط سطح ملی مناطق روستایی (۱۲ درصد) نیز کمتر می‌باشد. بررسی وضعیت نرخ‌های بیکاری و مشارکت به ترتیب در استان خوزستان ۹/۸ و ۳۴/۵ درصد است. نرخ مشارکت شهرستان‌های مرزی استان تقریباً مشابه متوسط استان است. نرخ بیکاری سبب توزیعی نامتوازن میان شهرستان‌های مرزی استان است. شهرستان بندرماهشهر با ۴۰/۷ درصد بیشترین نرخ بیکاری و شهرستان هندیجان با ۴/۷ درصد کمترین نرخ بیکاری را به خود اختصاص داده‌اند. تنها شهرستان هندیجان نرخ بیکاری کمتر از متوسط استان و مابقی شهرستان‌های مرزی بالاتر است.

جدول شماره ۵. نرخ بیکاری و نرخ مشارکت در مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی (درصد) بر

اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۰

استان	شهرستان	نرخ مشارکت	نرخ بیکاری	استان	شهرستان	نرخ مشارکت	نرخ بیکاری	استان	شهرستان	نرخ مشارکت	نرخ بیکاری
	بابلسر	۴۲/۶	۵/۸		چاه‌بهار	۲۸/۳	۲۶/۷		بوشهر	۳۸/۹	۹/۵
	بهشهر	۴۱/۴	۱۵/۰	سیستان و بلوچستان	خاش	۲۹/۱	۲۱/۵		تنگستان	۳۷/۹	۱۸/۵
مازندران	تنکابن	۴۰/۵	۹/۷		زابل	۲۹/۶	۲۴/۸		دشتی	۳۸/۳	۱۴/۴
	جویبار	۴۲/۸	۴/۳		زاهدان	۲۵/۰	۴۹/۳		دیر	۳۷/۳	۸/۷
	چالوس	۳۹/۴	۱۱/۹		زهک	۲۴/۷	۳۴/۳		دیلم	۳۸/۹	۱۸/۹

				سراوان	۲۴/۹	۵۳/۸	۷/۵	۴۳/۳	رامسر	
				سرباز	۲۸/۵	۲۹/۹	۹/۹	۴۱/۰	ساری	
				سیب و سوران	۲۸/۰	۳۷/۱	۱۶/۰	۴۳/۱	عباس آباد	
				قصرقند			۷/۱	۴۲/۳	فریدونکنار	
				کنارک	۳۶/۰	۱۶/۹	۱۲/۳	۴۲/۱	گلگاه	
				مهرستان	۲۷/۵	۳۸/۶	۶/۴	۴۲/۱	محمودآباد	
				میرجاوه			۸/۸	۴۲/۰	میاندو رود	
				نیمروز			۸/۹	۴۱/۳	نکا	
				هامون			۹/۷	۴۱/۱	نور	
				هیرمند	۳۴/۰	۳۸/۵	۱۰/۶	۴۰/۷	نوشهر	
				ایلام	۴۰/۰	۱۹/۴	۱۱/۲	۳۸/۸	آستارا	
				دهلران	۴۷/۰	۸/۸	۱۰/۰	۴۲/۵	آستانه اشرفیه	
				مهران	۳۷/۴	۲۵/۵	۱۵/۲	۴۱/۴	بندر انزلی	
				کلات	۳۹/۳	۵/۸	۱۰/۸	۴۳/۲	رشت	
				تایباد	۳۶/۹	۹/۲	۱۴/۸	۳۸/۹	رضوانشهر	گیلان
				تربت جام	۴۰/۴	۷/۳	۶/۶	۴۴/۶	رودسر	
				خواف	۳۷/۹	۶/۸			طوالش	
				درگز	۴۶/۷	۷/۰	۷/۵	۴۶/۳	لاهیجان	
				سرخس	۳۷/۹	۱۷/۹	۵/۶	۴۳/۸	لنگرود	
				قوچان	۴۱/۵	۱۱/۸	۱۲/۶	۳۸/۸	ماسال	
				پاوه	۳۹/۶	۳۲/۲	۸/۸	۴۲/۹	اردبیل	
				ثلاث باباجانی	۳۶/۳	۱۵/۶	۱۵/۹	۴۱/۸	بيله سوار	
				جوانرود	۳۷/۲	۲۹/۵	۲۱/۶	۴۱/۹	پارس آباد	اردبیل
				سرپل ذهاب	۳۷/۵	۳۳/۳	۴/۸	۴۲/۵	گرمی	
				قصر شیرین	۶۸/۱	۱/۷	۱۱/۶	۴۰/۹	مشگین شهر	
				گیلانغرب	۴۰/۳	۲۲/۳	۶/۰	۴۲/۶	نمین	
				ابوموسی	۹۶/۰	۰/۰	۱۰/۸	۳۷/۲	ارومیه	
				بندرعباس	۳۸/۶	۱۷/۴	۵/۱	۳۶/۴	اشنویه	
				بندر لنگه	۳۳/۷	۸/۴	۱۴/۳	۳۸/۵	پلدشت	
				پاریسان	۳۷/۹	۹/۸	۴/۳	۳۹/۸	پیرانشهر	آذربایجان
				جاسک	۳۴/۸	۲۳/۳	۷/۷	۴۰/۴	چالدران	غربی
				خمیر	۳۷/۲	۲۴/۰	۵/۵	۴۲/۲	خوی	
				سیریک	۳۲/۵	۱۸/۲	۱۶/۸	۳۹/۷	سردشت	
				قشم	۳۵/۶	۹/۱	۱۳/۴	۳۹/۴	سلماس	
				میناب	۳۴/۸	۱۸/۷	۱۰/۰	۳۹/۱	ماکو	

اشتغال مناطق روستایی شهرستان های مرزی در بخش صنعت

یافته‌های جدول ۶، در صد اشتغال مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی در بخش صنعت را نشان می‌دهد. در شهرستان مرزی جلفا در استان آذربایجان شرقی، بخش صنعت سهم قابل توجهی (۱۲ درصد) از اشتغال مناطق روستایی را در اختیار دارد. در استان آذربایجان غربی، بخش صنعت در ارومیه و خوی در میان دیگر شهرستان‌های مرزی استان از ارزش افزوده بسیار بالاتری برخوردار هستند که نشان از قدرتمندتر بودن این بخش حیاتی در این شهرستان‌ها دارد. در استان اردبیل سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده است به طوری که متوسط سهم این بخش در میان شهرستان‌های مرزی برابر با ۷ درصد است. البته این سهم در برخی شهرستان‌ها از جمله اردبیل بالاتر می‌باشد. در میان شهرستان‌های مرزی استان بو شهر بخش صنعت تنها در شهرستان کنگان سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. در شهرستان‌های مرزی استان خراسان رضوی بیشترین سهم صنعت برای شهرستان‌های تربت جام و قوچان و کمترین درصد برای کلات و درگز بوده است. در شهرستان‌های مرزی استان خراسان شمالی وضعیت ارزش افزوده در بخش صنعت در شهرستان بجنورد به شدت از دیگر شهرستان‌های مرزی استان بهتر است. بخش صنعت با (۹/۳ درصد) به طور متوسط بیشترین سهم از اشتغال شهرستان‌های مرزی استان خوزستان را به خود اختصاص داده است. البته باید توجه کرد که سهم بخش صنعت از اشتغال در شهرستان‌های بندر ماهشهر (۲۴ درصد) و آبادان (۱۵ درصد) از متوسط این شهرستان به شدت بالاتر است. در هیچ‌یک از شهرستان‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان بخش صنعت دارای مزیت نسبی نیست. ارزش افزوده بخش صنعت نیز تنها در زاهدان رقم مناسبی را در مقایسه با دیگر شهرستان‌های مرزی استان نشان می‌دهد. در شهرستان‌های مرزی استان کردستان، بخش صنعت در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصادی، سهم قابل توجهی از اشتغال را به خود اختصاص داده است. در شهرستان‌های مرزی استان هرمزگان بخش صنعت در هیچ‌یک از شهرستان‌های مرزی دارای مزیت نسبی نمی‌باشد. رتبه‌بندی شهرستان‌های مرزی کشور در زمینه سهم صنعت نشان می‌دهد ۲ شهرستان (بندر ماهشهر و آبادان) دارای بیشترین سهم صنعت، ۸ شهرستان (خوی، گنبد کاووس، گمیشان، ترکمن، بندرگز، رشت، بابلسر، خمیر) دارای سهم صنعت بالا، ۳۱ شهرستان (جلفا، سلماس، ارومیه، اردبیل، کنگان، درمیان،

سربیشه، بجنورد، خرمشهر، اهواز، کنارک، آق قلا، لنگرود، لاهیجان، رضوانشهر، بندرانزلی، آستانه اشرفیه، نوشهر، نور، نکا، میان دورود، محمودآباد، گلوگاه، فریدونکنار) دارای سهم صنعت متوسط و ۴۰ شهرستان (پیرانشهر، اشنویه، پارس آباد، گرمی، مشگین شهر، نمین، ایلام، بو شهر، تنگستان، دشتی، دیر، گناوه، تایباد، تربت جام، خواف، قوچان، مانه و سملقان، فالوج، شیروان، شوش، شادگان، سیب سوران، سراوان، ایرانشهر، مریوان، سقز، سروآباد، مراوه تپه، ماسال، رودسر، آستارا، رامسر، چالوس، قشم، پارسیان، بندرلنگه) دارای سهم صنعت پایین و ۲۹ شهرستان (خدا آفرین، پلدشت، بیله سوار، دهلران، مهران، دیلم، نهبندان، کلات، درگز، سرخس، هویزه، هندیجان، دشت آزادگان، هیرمند، سرباز، زهک، زابل، خاش، چاه بهار، بانه، گیلانغرب، قصرشیرین، سرپل ذهاب، جوانرود، ثلاث باباجانی، پاوه، سیریک، جاسک، ابوموسی) دارای سهم صنعت خیلی پایین هستند و کمترین سهم صنعت را در اختیار دارند.

جدول شماره ۶. اشتغال مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی در بخش صنعت (درصد) بر اساس

نتایج سرشماری ۱۳۹۰

استان	شهرستان	صنعت	استان	شهرستان	صنعت	استان	شهرستان	صنعت
مازندران	بابلسر	۱۲/۷	سیستان و بلوچستان	چاه بهار	۵/۱	بوشهر	بوشهر	۸/۰
	بهشهر	۱۱/۱		خاش	۴/۵		تنگستان	۶/۷
	تنکابن	۱۰/۳		زابل	۵/۰		دشتی	۸/۰
	جویبار	۱۰/۰		زاهدان	۶/۷		دیر	۸/۳
	چالوس	۸/۳		زهک	۴/۴		دیلم	۴/۶
	رامسر	۷/۳		سراوان	۵/۴		عسلویه	
	ساری	۱۰/۵		سرباز	۳/۵		کنگان	۱۱/۰
	عباس آباد	۹/۸		سیب و سوران	۸/۶		گناوه	۵/۷
	فریدونکنار	۱۱/۱		قصرقند			اهواز	۱۲/۰
	گلوگاه	۱۱/۶		کنارک	۹/۲		آبادان	۱۵/۱
گیلان	محمودآباد	۱۱/۶	خوزستان	مهرستان	۱/۶	بندر ماهشهر	۲۴/۳	
	میاندورود	۱۱/۴		میرجاوه		خرمشهر	۱۱/۳	
	نکا	۱۱/۰		نیمروز		دشت آزادگان	۳/۲	
	نور	۱۰/۱		هامون		شادگان	۸/۱	
	نوشهر	۸/۸		هیرمند	۱/۷	شوش	۷/۰	
	آستارا	۸/۲		ایلام	۶/۴	هندیجان	۵/۱	

۲/۹	مویزه		دهلران	۳/۵	۹/۹	آستانه اشرفیه	
۱۱/۳	آق‌قلا		مهران	۳/۹	۱۱/۴	بندرانزلی	
۱۳/۷	بندرگز		تایباد	۶/۷	۱۴/۵	رشت	
۱۳/۵	ترکمن	گلستان	ترت‌جام	۷/۴	۱۰/۵	رضوانشهر	
۱۳/۱	گمیشان		خواف	۶/۶	۸/۶	رودسر	
۱۲/۴	گنبد کاووس		درگز	۳/۹		طوالش	
۶/۲	مراوه تپه		سرخس	۴/۷	۹/۳	لاهیجان	
۱۱/۰	بجنورد		قوچان	۷/۶	۹/۳	لنگرود	
	رازوجر گلان		کلات	۳/۵	۷/۲	ماسال	
۷/۲	شیروان	خراسان شمالی	پاوه	۴/۴	۱۰/۹	اردبیل	
۶/۱	فاروج		ثلاث باباجانی	۱/۲	۴/۰	بيله سوار	
۶/۱	مانه و سملقان		جوآرود	۳/۳	۶/۵	پارس آباد	
۹/۸	جلفا	آذربایجان شرقی	سرپل ذهاب	۲/۷	۶/۴	گرمی	اردبیل
۴/۳	خداآفرین		قصر شیرین	۲/۲	۶/۳	مشکین شهر	
۴/۵	بانه		گیلانغرب	۲/۵	۵/۴	نمین	
۵/۷	سروآباد	کردستان	ابوموسی	۰/۶	۱۰/۸	ارومیه	
۸/۱	سقز		بندرعباس	۱۰/۴	۶/۳	اشنویه	
۶/۷	مریوان		بندرلنگه	۶/۷	۴/۴	پلدشت	
۱۰/۴	درمیان		پارسیان	۷/۲	۷/۳	پیرانشهر	آذربایجان غربی
	زیرکوه	خراسان جنوبی	جاسک	۲/۵	۶/۸	چالدران	
۱۱/۰	سریشه		خمیر	۱۲/۸	۱۷/۱	خوی	
۵/۰	نهبندان		سیریک	۳/۳	۵/۳	سردشت	
			قشم	۸/۰	۹/۳	سلماس	
			میناب	۸/۸	۶/۰	ماکو	

نتیجه گیری

بیشترین جمعیت روستایی شهرستان‌های مرزی برای استان‌های سیستان و بلوچستان، مازندران، آذربایجان غربی و گیلان، و کمترین جمعیت روستایی برای شهرستان‌های مرزی استان‌های آذربایجان شرقی، ایلام، خراسان جنوبی و کرمانشاه است. بررسی میزان مهاجرپذیری مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی بیانگر آن است اکثر این مناطق نرخ مهاجرپذیری پایینی دارند. مناطق روستایی شهرستان‌های دشت آزادگان، شادگان، سیب سواران، سرباز، مهرستان (زابلی)، میان‌کنگی (هیرمند)، شوش، خداآفرین و زهک کمترین نرخ مهاجرپذیری را در دوره ۹۰-۱۳۸۵ دارا می‌باشند. در مقابل، مناطق روستایی شهرستان‌های ابوموسی، بوشهر، کنگان، قصر شیرین، لاهیجان، بندرانزلی و لنگرود بالاترین

نرخ مهاجری را در دوره ۹۰-۱۳۸۵ در میان شهرستان‌های مرزی مورد بررسی داشته‌اند. مناطق روستایی شهرستان‌های میان‌کنگی (هیرمند)، مهرستان (زابلی)، میان‌ورود، زهک، سیب‌سواران، سرباز، کنارک و خداآفرین کمترین نرخ مهاجر فرستی را در دوره ۹۰-۱۳۸۵، دارا می‌باشند. در مقابل، مناطق روستایی شهرستان‌های بوشهر، ابوموسی، قصر شیرین، قوچان، ماکو و ایلام بالاترین نرخ مهاجر فرستی را در دوره ۹۰-۱۳۸۵، در میان شهرستان‌های مرزی مورد بررسی داشته‌اند. حدود نیمی از مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی نرخ خالص مهاجرتی منفی داشته‌اند. بیشترین نرخ منفی مهاجرت خالص به مناطق روستایی شهرستان‌های ماکو، آبادان، قوچان، سرپل ذهاب، زابل و درگز تعلق داشته است. در مقابل، بیشترین نرخ مثبت خالص مهاجرتی در این دوره، در مناطق روستایی شهرستان‌های ابوموسی، کنگان، کنارک، بندرگز، عباس‌آباد و لاهیجان مشاهده شده است. مقایسه الگوی مهاجر فرستی بین مناطق روستایی استان‌های شرقی و غربی نشان می‌دهد که مهاجر فرستی در مناطق روستای استان‌های شرقی بیشتر است. از دلایل این مهاجر فرستی بالا در مناطق روستایی استان‌های مرزی شرق کشور می‌توان به بیکاری بالا در مناطق روستایی، آب‌وهوای نامناسب، دسترسی محدود به امکانات اولیه زندگی همچون امکانات آموزشی و بهداشتی، مرز هیچ‌گونه مزایایی از لحاظ اقتصادی برای مردم ندارد و ... اشاره داشت. یافته‌های نشان می‌دهد، بالاترین میانگین نرخ بیکاری برای مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان، کرمانشاه و ایلام، و پایین‌ترین میانگین نرخ بیکاری برای مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی استان‌های شرقی، خراسان جنوبی و خراسان شمالی می‌باشد. در همین دوره، بیشترین میانگین نرخ مشارکت اقتصادی برای مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی استان‌های کرمانشاه و خراسان جنوبی و کرمانشاه و کمترین میانگین نرخ مشارکت اقتصادی برای مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان و آذربایجان غربی بوده است. روستاهای مرزی کشور بخصوص در مرزهای خاکی دچار از دست دادن جمعیت هستند این شرایط به‌ویژه در مناطق روستایی جنوب شرقی و همچنین غرب و شمال غرب کشور بیشتر نمود دارد. یکی از دلایل ایجاد چنین وضعیتی مربوط به نابرابری‌های منطقه‌ای و عدم

توسعه یافتگی این مناطق است، زیرا استان‌های مرزی کشور در ردیف استان‌های با سطح کمتر توسعه یافته و توسعه یافتگی متوسط قرار دارند.

در پایان لازم است تا مواردی به صورت پیشنهاد ارائه گردد: الف) تأکید بر اشتغال پایدار در مناطق مرزی از طریق توجه بیشتر به مسئله اشتغال و بیکاری جوانان در استان‌های مرزی بخصوص در روستاها و شهرستان‌های که در مرز مستقر هستند؛ ب) توجه زیاد به وضعیت معیشت و زندگی مردم در روستاهای مرزی؛ ج) توزیع مناسب امکانات آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها)، بهداشتی (بیمارستان‌ها) جهت جلوگیری از مهاجرت مردم از مناطق روستایی مرزی به شهرها و مراکز استانی؛ د) بهبود همکاری‌ها و تعاملات اقتصادی با همسایگان و ایجاد صنایع و بازارهای مشترک مرزی جهت بهبود فرصت‌های شغلی؛ ه) ارتقاء شاخص‌های رفاه در مناطق مرزی و متوازن کردن آن با سطح رفاه در سطح ملی؛ و) حل مشکلات اقلیمی و اکولوژیکی مناطق مرزی از جمله کنترل ریزگردها، طوفان‌های شنی، کمبود آب و ... جهت کاهش دافعه‌های ناشی از بدی اقلیم.

تشکر و قدردانی

نویسندگان این مقاله از مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور بابت حمایت و همکاری‌های صورت گرفته کمال تشکر و قدردانی را دارد.

منابع

- ۱) ابراهیم‌زاده، عیسی؛ موسوی، میرنجف؛ کاظمی‌زاد، شمس‌اله (۱۳۹۱) تحلیل فضایی نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، بهار ۱۳۹۱، سال ۸، شماره ۱، صص. ۲۳۵-۲۱۴.
- ۲) ایلکا، شهاب و دین‌پناه، غلامرضا (۱۳۹۰) پهنه‌بندی سکونتگاه‌های مرزی کشور از طریق تکنیک رتبه‌بندی بر اساس تشابه به حل ایده‌ال، پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، تابستان ۱۳۹۰، دوره ۴، شماره ۲ (پیاپی ۱۴)، صص. ۶۸-۵۵.
- ۳) بروکی میلان، عادل و عینالی، جمشید (۱۳۹۵) تحلیل عوامل مؤثر بر مهاجرت روستاهای مرزی (مطالعه موردی: روستاهای مرزی دهستان چالدران جنوبی)، فصلنامه علوم و فنون مرزی، زمستان ۱۳۹۵، سال ۷، شماره ۴، صص. ۸۳-۶۳.

- ۴) پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمدامیر (۱۳۸۱) نظریه‌های توسعه روستایی، تهران: انتشارات سمت.
- ۵) پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی سناجردی، حسین (۱۳۹۶) نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران: انتشارات سمت.
- ۶) حاج حسینی، حسین (۱۳۸۵) سیری در نظریه‌های مهاجرت، فصلنامه راهبرد، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۴۱، صص. ۴۶-۳۵.
- ۷) حسینی، قربان (۱۳۹۶) مطالعه تطبیقی مؤلفه‌های جمعیت‌شناسی استان‌های مرزی شرقی و غربی کشور طی دو دهه اخیر، فصلنامه علوم و فنون مرزی، زمستان ۱۳۹۶، سال ۸، شماره ۴، صص. ۲۹-۱.
- ۸) حسینی، قربان و خانی، سعید (۱۳۹۸) روند و الگوهای مهاجرت در استان‌های مرزی کشور، فصلنامه مطالعات ملی، زمستان ۱۳۹۸، سال ۲۰، شماره ۴، صص. ۱۱۴-۹۳.
- ۹) رستمعلی‌زاده، ولی‌الله و حسینی، قربان (۱۳۹۵) مهاجرت‌های روستایی در ایران و پیامدهای آن بر جامعه روستایی، مجله راهبرد اجتماعی و فرهنگی، پاییز ۱۳۹۵، دوره ۵، شماره ۲۰، صص. ۲۱۵-۱۹۱.
- ۱۰) زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰) مهاجرت، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۱) عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف (۱۳۸۸) توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، باغ نظر، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، دوره ۶، شماره ۱۲، صص. ۷۶-۵۷.
- ۱۲) لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸) نظریات مهاجرت، شیراز: انتشارات نوید.
- ۱۳) مرکز آمار ایران (۱۳۸۷) نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور سال ۱۳۸۵، تهران.
- ۱۴) مرکز آمار ایران (۱۳۹۱) نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور سال ۱۳۹۰، تهران.
- ۱۵) موسوی، میرنجف (۱۳۹۲) ارزیابی نقش بازارچه‌های مشترک مرزی در توسعه و رفاه مناطق مرز نشین: مطالعه موردی بازارچه مرزی تمرچین پیرانشهر، جغرافیا و توسعه، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۳۳، صص. ۷۰-۵۵.

۱۶) موسوی، میرنجف؛ بهرامی جاف، ساجد؛ علیزاده، فریده؛ شهبازی، محبوبه (۱۳۹۷). بررسی روند سیاست‌گذاری‌های جمعیت در آمایش مناطق مرزی استان کرمانشاه (۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵)، فصلنامه علوم و فنون مرزی، پاییز ۱۳۹۷، دوره ۷، شماره ۳، صص. ۶۵-۹۰.

- 17) Garasky, Steven. (2002) where are they going? A comparison of urban and rural youths' locational choices after leaving the parental home, *Journal of Social Science Research*, Vol.31, No.3, pp.409–431.
- 18) Rostamalizadeh, Valiollah. & Nobakht, Reza. (2020) Sustainable Development and Migration in Iranian Frontier Counties, *European Online Journal of Natural and Social Sciences*, Vol.9, No.1, pp.135-152.
- 19) Hamid, Shahnaz. (2010) Rural to Urban Migration in Pakistan the Gender Perspective, *Pakistan Institute of Development Economics, Working Papers 56*.
- 20) De Haas, Hein. (2008) Migration and development A theoretical perspective, *Bielefeld: COMCAD, Working Papers – Center on Migration, Citizenship and Development; 29*.